

بررسی عوامل مرتبط با افسردگی در دانشجویان دانشگاه های یاسوج در سال ۱۳۸۰

چکیده

دکتر نذیر هاشمی محمد آباد*،
قادر زاده باقری**،
حمید رضا غفاریان
شیرازی***،
*استادیار بخش اعصاب و روان،
**مربی بخش اعصاب و روان،
***مربی بخش آمار زیستی،
دانشگاه علوم پزشکی یاسوج

نویسنده مسوول:

دکتر نذیر هاشمی محمد آباد
یاسوج، بیمارستان شهید رجایی،
بخش اعصاب و روان
تلفن: ۰۷۴۱-۲۲۲۲۲۹۱-۲

مقدمه: افسردگی، یکی از شایع ترین بیماری های اعصاب و روان است، که در بررسی های پیشین میزان شیوع آن در دانشجویان، از ۱۰/۵۴ درصد تا ۶۲/۹ درصد برآورد شده است. این پژوهش با هدف بررسی عوامل مرتبط با بروز یا تشدید افسردگی در دانشجویان دانشگاه های یاسوج انجام شده است. **روش کار:** آزمودنی ها با روش نمونه گیری چند مرحله ای تصادفی ساده از سه دانشگاه شهر یاسوج برگزیده شدند. ابزار بررسی، پرسشنامه ی بک و پرسشنامه ای در برگزیده ی اطلاعات شخصی و عوامل در پیوند با افسردگی بود. **یافته ها:** ۳۵/۶ درصد دانشجویان، به درجاتی از افسردگی (متوسط تا بسیار شدید) دچار بودند، که ۳۸/۵ درصد پسران و ۳۴/۱ درصد دختران را در بر می گرفت. شیوع افسردگی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی، بیشترین (۴۲/۹ درصد) و در دانشجویان علوم پزشکی، کمترین (۱۶/۱۸ درصد) بود. دانشجویان غیر بومی، دانشجویان ۲۰ تا ۲۴ ساله و دانشجویانی که به ناچار رشته ی تحصیلی خود را برگزیده بودند، از میزان شدت افسردگی بیشتری در رنج بودند. دانشجویانی که نسبت به آینده ی شغلی خود امیدوار بودند، فعالیت فوق برنامه داشتند، پایبندی بیشتر به باورهای مذهبی و انجام فرایض دینی داشتند، از افسردگی کمتری در رنج بودند. افسردگی در دانشجویانی که مادر آنها در قید حیات نبود و دانشجویانی که در خوابگاه زندگی می کردند، از شیوع بالاتری برخوردار بود که این موارد، در مقایسه با گروه مقابل، دارای اختلاف آماری معنی داری بودند ($p < 0/05$). اختلاف آماری معنی داری میان افسردگی و شغل پدر و مادر، در قید حیات بودن پدر، تحصیلات پدر و مادر، شمار اعضای خانوار، رتبه ی تولد، ورزش کردن، امکانات رفاهی دانشگاه، مشروط شدن، مرگ عزیزان، باورهای مذهبی کم یا زیاد خانواده مشاهده نشد. **نتیجه:** مهمترین عوامل مرتبط با

شیرازی خدیو هاشمی محمد آباد، قادر زاده باقری، حمید رضا غفاریان

افسردگی در دانشجویان مورد مطالعه به ترتیب اهمیت عبارت بودند از: اجبار خانواده در انتخاب رشته تحصیلی، غیر بومی بودن دانشجوی، شرکت غیر فعال در مراسم مذهبی، شرکت ضعیف در فعالیت های فوق برنامه، امیدواری ضعیف به آینده ی شغلی و تحصیل در دانشگاه های غیر دولتی. پذیرش دانشجویان بومی، تشویق دانشجویان به داشتن فعالیت های فوق برنامه، شرکت در مراسم مذهبی و انجام فرایض دینی و اجازه دادن به فرزندان برای انتخاب رشته پیشنهاد می شود.

کلید واژه ها: افسردگی، سبب شناسی، دانشجویان، یاسوج

مقدمه

معنی داری وجود نداشت [۶]. اندازه ی شیوع افسردگی در دانشجویان زن دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، ۶۵ درصد و در مردان، ۴۱ درصد بوده و در مجردها و مطلقه ها، بیشتر از متأهلین بود [۷]. اندازه ی شیوع افسردگی در دانشجویان دانشگاه های ایلام، ۶۰/۷ درصد اعلام شد، اما در میان پسران و دختران، تفاوت آماری معنی داری وجود نداشت [۸]. اندازه ی شیوع افسردگی (شامل انواع افسردگی از نوع خفیف تا شدید) در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، ۶۲/۹ درصد گزارش شده، که در دختران کمتر از پسران (۶۵/۴ درصد به ۷۲ درصد) بود، که این اختلاف از نظر آماری معنی دار گزارش شد [۹]. اندازه ی شیوع افسردگی در دانشجویان دانشگاه سبزوار، ۲۹/۲ درصد اعلام شده، که در مجردها بیشتر از متأهل ها و در پسران بیشتر از دختران بود [۱۰]. اندازه ی شیوع افسردگی در دانشجویان علوم پزشکی کاشان، ۲۸/۴ درصد [۱۱] و در دانشجویان علوم پزشکی همدان، ۴۳/۵ درصد [۱۲] گزارش شده است. بیشتر بررسی ها گویای سلامت روانی بیشتر و اندازه ی افسردگی کمتر در دانشجویان بومی نسبت به دانشجویان غیر بومی است

افسردگی، یکی از شایع ترین اختلالات روانپزشکی است، که به زمان، مکان و شخصی خاص محدود نیست و همه ی گروه و رده های جامعه را، در برمی گیرد و در هر فرهنگ و کشوری وجود دارد، اما اندازه ی شیوع آن و نسبت جنس و سن در جاهای گوناگون متفاوت است. اندازه ی شیوع افسردگی در جامعه گزارش شده در کتب مرجع، از ۱۳ تا ۲۰ درصد بوده، که در زنان بسیار بیشتر از مردان است [۳-۱]. در بررسی های انجام شده در ایران، اندازه ی شیوع افسردگی در جمعیت عمومی، از ۴/۲ درصد تا ۳۷ درصد برآورد شده است [۴،۵]. در گروه دانشجویان، اندازه ی افسردگی، از ۱۰/۵۴ درصد تا ۶۲/۹ درصد برآورد شده است [۶،۷] و در جمعیت دانش آموزان دبیرستانی، از ۲۹ تا ۴۵/۴ درصد گزارش شده است [۸،۹]. اندازه ی شیوع افسردگی در دانشجویان دانشگاه اهواز ۴۴/۹ درصد بود که، این اندازه در دختران با اختلاف معنی داری کمتر از پسران (۳۸ درصد در برابر ۵۲ درصد) بود، اما از نظر مجرد و متأهل بودن، تفاوت

شیرازی خدیو هاشمی محمد آباد، قادر زاده باقری، حمید رضا غفاریان

هدف از انجام این بررسی، تعیین عوامل مرتبط با بروز یا تشدید افسردگی در دانشجویان در جامعه ی مورد بررسی بود، تا بر پایه ی آن، راهکارهای مناسب برای کاهش یا حذف عوامل مرتبط با افسردگی به مسوولان ذیربط ارایه گردد.

مواد و روش

جامعه ی آماری در این پژوهش، همه ی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی، آزاد اسلامی و دانشگاه یاسوج را شامل می شد که در رشته های گوناگون، از کاردانی تا دکترا، به تحصیل مشغول بودند. شمار کل دانشجویان، ۶۶۳۶ نفر (۲۵۰۰ دختر و ۴۱۳۶ پسر) بودند، که در بردارنده ی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، ۶۲۰ نفر، دانشگاه آزاد اسلامی یاسوج، ۴۰۱۶ نفر و دانشگاه یاسوج، ۲۰۰۰ نفر بود که دانشجویان به تفکیک جنس، سن، رشته و مقطع تحصیلی بررسی شدند. شمار ۴۶۴ نفر (۱۴۸ دختر و ۳۱۶ پسر) با روش نمونه گیری خوشه ای و متناسب با جمعیت هر دانشگاه، به عنوان نمونه از دانشگاه های یاد شده برگزیده و بررسی شدند، که در بردارنده ی ۱۰۱ نفر از دانشگاه علوم پزشکی، ۲۲۶ نفر از دانشگاه آزاد اسلامی و ۱۳۷ نفر از دانشگاه یاسوج بود و در هر رده نیز دانشجویان با روش نمونه گیری تصادفی منظم برگزیده شدند.

ابزار اندازه گیری، پرسشنامه ای در بردارنده ی اطلاعات شخصی، مانند جنس، سن، وضع تأهل، رشته ی تحصیلی و نیز عوامل در پیوند با

[۸، ۹، ۱۴، ۱۳]. در پژوهش باقری یزدی و همکاران، عوامل در پیوند با افسردگی، عبارت بودند از: مشکلات اقتصادی، ۲۸/۹ درصد، مشکلات تحصیلی، ۱۷/۵ درصد، مشکلات خانوادگی، ۱۳/۶ درصد، مشکلات مسکن، ۱۳/۴ درصد و دیگر موارد، به مشکلات شغلی، ازدواج و ارتباط با دیگران مربوط بوده است [۱۳].

در بررسی ترابی نیکچه، مشکلات ناشی از کمبود خوابگاه، امکانات تفریحی- رفاهی، بی توجهی به مشکلات ازدواج و بیماری سخت مادر، با اندازه ی شدت افسردگی ارتباط معنی دار داشت [۸]. از دست دادن پدر و مادر، به ویژه مادر، در آغاز زندگی به ویژه در سن کمتر از ۱۱ سالگی، عاملی مهم در بروز افسردگی است [۲، ۱۵]. در پژوهشی در کانادا، از دست دادن پدر در سن کمتر از ۱۱ تا ۱۵ سالگی مهم به شمار آمده ولی از دست دادن مادر، عاملی مهم نبود [۱۵]. اندازه ی افسردگی، در کسانی که نسبت به رشته ی تحصیلی خود بی علاقه بودند و کسانی که بیشتر از سه بار در کنکور شرکت کرده بودند، بسیار بیشتر از دیگران بوده، که از نظر آماری اختلاف معنی داری وجود داشت [۱۰، ۱۱، ۱۳].

شیوع افسردگی، در کسانی، که فعالیت غیر درسی و فوق برنامه داشتند، کمتر از دیگران بوده، که این اختلاف، معنی دار بود [۹]. همچنین شیوع افسردگی، در کسانی، که دارای باورهای مذهبی قوی بوده و فرایض دینی را انجام می دادند [۹، ۱۶] کمتر گزارش شده است.

نفر (۱۱/۶ درصد)، افسردگی متوسط، ۹۶ نفر (۲۰/۷ درصد)، افسردگی به نسبت شدید، ۱۵ نفر (۳/۲ درصد)، افسردگی شدید داشتند. روی هم رفته، ۱۶۵ نفر (۳۵/۶ درصد)، به افسردگی متوسط به بالاتر دچار بودند. دانشجویانی، که ۲۵ سال و بالاتر داشتند، دارای کمترین افسردگی (۶/۳ درصد) و دانشجویانی، که از ۲۰ تا ۲۴ سال سن داشته اند، دارای بیشترین افسردگی بودند (۴۰/۳ درصد)، که این اختلاف، معنی دار بود ($p < 0/05$).

شیوع افسردگی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی یاسوج (۴۲/۹ درصد)، از دانشجویان دانشگاه یاسوج (۳۷/۲ درصد)، بیشتر بود و کمترین افسردگی (۱۶/۸ درصد)، به دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی یاسوج مربوط بود ($p < 0/05$). شیوع افسردگی در دانشجویان غیر بومی (۴۰/۸ درصد)، بیشتر از دانشجویان بومی (۲۸ درصد) بود ($p < 0/01$). شیوع افسردگی در دانشجویانی، که مادران آنها در قید حیات نبودند، ۷۲/۷ درصد بود، که از دانشجویانی که مادران آنها در قید حیات بودند (۳۵/۸ درصد)، بیشتر بود ($p < 0/05$). شیوع افسردگی در دانشجویانی، که جدا از خانواده زندگی می کردند، ۵۰ درصد و در دانشجویانی، که با خانواده زندگی می کردند ۳۴ درصد بود ($p < 0/05$). شیوع افسردگی در دانشجویانی که به اجبار خانواده، رشته ی تحصیلی خود را برگزیده بودند، (۶۱/۳ درصد) بیشتر از دانشجویانی که با انگیزه ی

افسردگی مانند فوت والدین، مشکلات اقتصادی و اجتماعی بود. از پرسشنامه ی ۲۱ پرسشی بک نیز استفاده شد. این پرسش ها، از صفر تا سه درجه بندی شده، که در مجموع کمترین اندازه، صفر و بیشترین، ۶۳ است. بر پایه ی نظام نمره گذاری آزمون بک، نمره های صفر تا نه، بدون افسردگی و ۱۰ یا بیشتر از آن، افسرده در نظر گرفته می شود. نمره های ۱۰ تا ۱۹، افسردگی خفیف، ۲۰ تا ۲۹، افسردگی متوسط، ۳۰ تا ۳۹، افسردگی به نسبت شدید و ۴۰ تا ۶۳، افسردگی شدید به شمار می روند. این آزمون ۲۱ جنبه ی افسردگی را ارزیابی می کند و از متداول ترین و معتبرترین آزمون های روان شناختی است، که بررسی های فراوانی، اعتبار و پایایی آن را تأیید کرده اند [۱۷،۱۸].

ارتباط سطوح افسردگی شامل: بدون افسردگی، افسردگی خفیف، افسردگی متوسط، افسردگی به نسبت شدید و افسردگی شدید با متغیرهای محیطی و فردی، مانند شرایط خوابگاه، بومی بودن، انگیزه ی انتخاب رشته، جنس، سن و وضعیت تأهل به وسیله ی آزمون مربع کای بررسی گردید [۱۷،۱۸]. داده های آماری، با برنامه نرم افزاری SPSS واکاوی شدند.

یافته ها

از ۶۶۴ دانشجوی مورد بررسی، شمار ۱۶۸ نفر (۲۵/۲ درصد)، بدون علائم افسردگی، ۱۳۱ نفر (۱۹/۷ درصد)، دارای علائم افسردگی خفیف، ۵۴

جدول ۱: مهم ترین عوامل در پیوند با افسردگی در دانشجویان دانشگاه های یاسوج ۱۳۸۰

شرح	سالم *	افسرده *	p-value
سن	۱۷ تا ۱۹	۸۲ (درصد ۷۳/۲)	
	۲۰ تا ۲۴	۱۲۹ (درصد ۴۰/۳)	$p < 0/05$
	۲۵ و بالاتر	۱ (درصد ۶/۳)	
غیر بومی	۱۵۷ (درصد ۵۹/۲)	۱۰۸ (درصد ۴۰/۸)	$p < 0/05$
بومی	۱۳۹ (درصد ۷۲)	۵۶ (درصد ۲۸)	
انگیزه	اجبار خانواده	۱۲ (درصد ۳۸/۷)	
انتخاب	علاقه ی فردی	۲۰۹ (درصد ۷۰/۶)	$p < 0/05$
رشته	جایگاه اجتماعی	۱۶ (درصد ۶۹/۶)	
	کسب درآمد	۱۶ (درصد ۸۰)	
	کسب مدرک	۳۹ (درصد ۴۵/۳)	
انجام	نماز خواندن	۲۷۵ (درصد ۶۵/۵)	$p < 0/05$
فرائض دینی	نماز نخواندن	۲۰ (درصد ۵۰)	

* (درصد) شمار

به علت پاسخ ندادن برخی دانشجویان به بعضی از پرسش ها ممکن است جمع اعداد همخوانی نداشته باشند.

شخصی، رشته ی تحصیلی خود را برگزیده بودند، (۲۰ درصد) بود ($p < 0/01$). همچنین، شیوع افسردگی در دانشجویانی که آینده ی شغلی خود را ضعیف ارزیابی می کردند، بیشتر از دانشجویانی بود، که آینده ی شغلی خود را خوب ارزیابی کرده بودند ($p < 0/01$). شیوع افسردگی در دانشجویانی، که فعالیت فوق برنامه نداشتند، ۴۱/۶ درصد و در دانشجویان دارای فعالیت فوق برنامه، ۲۷/۴ درصد بود ($p < 0/05$). افسردگی در دانشجویانی که نماز می خواندند (۳۴/۵ درصد)، کمتر از دانشجویانی بود، که نماز

نمی خواندند (۵۰ درصد)، که این اختلاف، معنی دار بود ($p < 0/05$) (جدول ۱). رابطه ای معنی دار میان افسردگی و جنسیت دانشجویان، مجرد و متأهل بودن، محل زندگی (شهر و روستا)، در قید حیات بودن یا نبودن پدر، بیکار یا شاغل بودن پدر و مادر، میزان تحصیلات پدر و مادر، وجود یا عدم فوت یکی از عزیزان، شمار اعضای خانوار، شمار خواهر و برادر، رتبه ی تولد، محل سکونت (خوابگاه، استیجاری یا خانه ی شخصی)، وجود یا عدم وجود بیماری جسمی، معلولیت جسمی، بیماری روانی شدید در بستگان درجه

شخصی، رشته ی تحصیلی خود را برگزیده بودند، (۲۰ درصد) بود ($p < 0/01$). همچنین، شیوع افسردگی در دانشجویانی که آینده ی شغلی خود را ضعیف ارزیابی می کردند، بیشتر از دانشجویانی بود، که آینده ی شغلی خود را خوب ارزیابی کرده بودند ($p < 0/01$). شیوع افسردگی در دانشجویانی، که فعالیت فوق برنامه نداشتند، ۴۱/۶ درصد و در دانشجویان دارای فعالیت فوق برنامه، ۲۷/۴ درصد بود ($p < 0/05$). افسردگی در دانشجویانی که نماز می خواندند (۳۴/۵ درصد)، کمتر از دانشجویانی بود، که نماز

دارد [۱۰،۸]، که علت را می توان به مشکلات اقتصادی و مالی در باره ی شهریه، هزینه ی رفت و آمد، امکانات رفاهی، امکانات تفریحی و تغذیه ای ربط داد. شیوع افسردگی در دانشجویان غیر بومی، بیشتر از دانشجویان بومی بوده است، که با یافته های بیشتر بررسی ها همخوانی دارد [۱۴،۱۳،۱۱،۸] و علت آن را می توان به جدایی و دوری از خانواده، مشکلات اقتصادی و نگرانی از تأمین مسکن مربوط دانست.

شیوع افسردگی در دانشجویان ۲۵ سال و بالاتر، کمترین و در دانشجویان ۲۰ تا ۲۴ سال، بیشترین بوده، که با یافته های عکاشه هماهنگی دارد [۱۱] و می توان گفت در افراد مسن تر، احتمالاً متأهل بودن و شاغل بودن آنها، موجب کاهش افسردگی شده است. شیوع افسردگی در کسانی که با انگیزه و علاقه، رشته ی تحصیلی خود را برگزیده اند، کمتر از کسانی بوده، که به اجبار خانواده یا به دلایلی دیگر انتخاب رشته کرده اند، که با دیگر بررسی ها هم خوانی دارد [۱۳،۱۱،۱۰] و می توان گفت که همگامی محرک های درونی و بیرونی و وجود انگیزه و هدف از پیش مشخص شده، اراده و تصمیم قاطع، دلیل کاهش افسردگی است.

شیوع افسردگی در دانشجویانی، که آینده ی شغلی خود را ضعیف ارزیابی کرده اند، بیشتر بوده که با بررسی هاشمی همخوانی دارد [۹]. بنابراین، آینده نگری و امیدواری به آینده و عزت نفس، موجب کاهش افسردگی می شود. شیوع افسردگی

یک، مشروط بودن یا نبودن از نظر درسی، رتبه در کنکور سراسری، وضعیت و امکانات رفاهی، پرداختن یا نپرداختن به ورزش روزانه و باورهای مذهبی کم یا زیاد در خانواده وجود نداشت.

بحث

در این مطالعه، اندازه ی شیوع افسردگی در دانشجویان دانشگاه های یاسوج، ۳۵/۶ درصد بود، که به اندازه ی شیوع افسردگی در دانشجویان دانشگاه های ایلام (۳۶/۶۱ درصد)، نزدیک است [۸] و از اندازه ی افسردگی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اهواز (۴۵ درصد)، زاهدان (۵۳ درصد) و همدان (۴۳/۵ درصد)، کمتر است، اما از میزان افسردگی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی لرستان (۳۱ درصد)، سبزوار (۲۹/۲ درصد) و کاشان (۲۸/۴ درصد) بیشتر است.

می توان گفت که، میزان شیوع افسردگی در دانشجویان دانشگاه های ایران، از ۱۰/۵ درصد تا ۵۳ درصد متغیر است. این میزان شیوع افسردگی در دانشجویان دانشگاه های یاسوج، مانند دیگر دانشگاه های کشور، بالا به نظر می رسد و نسبت به شیوع افسردگی در جمعیت عادی، بیشتر است [۱۰-۶،۷،۱۲].

شیوع افسردگی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی یاسوج، بیشتر از دانشجویان دانشگاه یاسوج و علوم پزشکی یاسوج بوده، که با بررسی ترابی نیکچه و حسینی نژاد و همکاران همخوانی

فعالیت های مذهبی و انجام فرایض دینی، شرکت ضعیف در فعالیت های فوق برنامه، کمبود امیدواری به آینده ی شغلی و تحصیل در دانشگاه های غیر دولتی.

پیشنهاد می شود، که بیشتر از دانش آموزان بومی منطقه در دانشگاه ها پذیرفته شود و دانشجویان به شرکت در فعالیت های فوق برنامه، مراسم مذهبی و انجام فرایض دینی و شرکت در گروه های مذهبی تشویق شوند. همچنین، دادن آگاهی لازم درباره ی انتخاب رشته به فرزندان لازم به نظر می رسد، تا دانشجویان، با انگیزه، علاقه و پشتکار بیشتر تحصیل کنند. تلاش در جهت حذف مشکلات اقتصادی و رفاهی، کاهش هزینه ی تحصیلی و بهبود امکانات خوابگاهی دانشگاه های کشور، به گونه ای مطلوب تر، ضروری به نظر می رسد.

سپاسگزاری

از همه ی همکاران کمیته ی تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، که در تحقق این بررسی ما را یاری کردند، بویژه از معاونت پژوهشی دانشگاه، که اعتبار لازم را برای این طرح در اختیار ما قرار دادند، سپاسگزاری می گردد.

در دانشجویانی، که دارای فعالیت فوق برنامه هستند، کمتر بوده که با بررسی هاشمی همخوانی دارد [۹] و شاید علت آن، ارتباط اجتماعی، تجربه و آگاهی بیشتر، افزایش مقاومت در برابر مشکلات و افزایش ظرفیت روانی است. دانشجویانی که پایبند به باورهای مذهبی بوده و فرایض دینی را منظم به جا می آوردند، از افسردگی کمتر رنج می بردند، که با دیگر یافته ها همخوانی دارد [۹،۱۶] و می توان گفت که افراد مذهبی دارای احساس وجود پشتوانه معنوی، احساس آرامش، نبود احساس پوچی و بی هدفی بوده و این عوامل موجب کاهش افسردگی می شود. شیوع افسردگی در کسانی که مادران خود را از دست داده اند، بیشتر است، که با دیگر یافته ها همخوانی دارد و گویای محرومیت از مهر مادری، کمبود عاطفه و محبت، نبود حمایت اجتماعی کافی و از دست دادن یکی از پایه های اساسی زندگی است، که موجب افسردگی می گردد.

نتیجه گیری

عوامل در پیوند با بروز افسردگی در دانشجویان مورد بررسی، به ترتیب اهمیت عبارت بودند از: اجبار در انتخاب رشته ی تحصیلی، غیر بومی بودن دانشجویان در محل تحصیل، شرکت ضعیف در

A Survey on Some Etiologic Factors Related to Depression Among University Students in Yasuj

Background: Depression is one of the most common psychiatric disorders and its prevalence ranges from 10.5% to 62-9%. This study was undertaken in order to determine some of the etiological factors related to depression among university students in Yasuj. **Patients and Methods:** The study sample was selected from three different universities in Yasuj. A Beck questionnaire as well as a questionnaire for personal data especially those related to depression were used. The collected data was statistically analyzed using SPSS and chi-square tests. **Results:** Out of the 464 students included in this study, 35.6 percent had depression (38.5 percent of all males and 34.1 percent of all females). The highest prevalence rate (42.9 percent) was observed among Islamic Azad University students while the lowest prevalence rate (16.8 percent) was seen among students at Yasuj University of Medical Sciences. Non-native students, 20-24 year old students, and students whose parents had chosen their field of study suffered from a more severe depression. Students who were hopeful about their future occupation, students who participated in extracurricular activities and students who were more religious suffered from less depression. Also, depression was more common in students who had lost their mothers and in those who lived in dormitories. There was no relationship between depression and the occupation of the students fathers, decease of fathers, level of parental education, the number of siblings, the absence of exercise, loss of friends, and the level of religious belief in the family. **Conclusion:** The results of this study indicate that in order to decrease the prevalence of depression among students it is best to accept native students, allow the students to choose their field of study and encourage students to participate in extracurricular activities and to practice their religious beliefs and partake in religious ceremonies.

Keywords: Depression, Etiology, Students, Yasuj

N. Hashemi Mohammad
Abad, M.D. *,
Gh. Zadeh Bagheri,
M.Sc. **,
H.R. Ghaffarian Shirazi
M.Sc. ***,
*Assisant Professor of
Psychiatry,
** Instructor of
Psychiatry,
*** Instructor of
Biostatistics, Yasuj
University of Medical
Sciences, Yasuj, Iran

Correspondence:
N. Hashemi Mohammad
Abad
Department
of Psychiatry, Shahid
Rajjaee Hospital,
Yasuj, Iran
Tel: +98-741-222291-2

منابع

[1]Gelder M, Gath D, Mayou R: Mood disorder. In: *Oxford textbook of psychiatry*. 3rd ed. Oxford, England: Oxford University Press, 1999:137-8.

[2]Sadock B, Kaplan HI: Mood disorder. In: *Comprehensive textbook of psychiatry*. 9th ed. New York, USA: Lippincott Williams and Wilkins, 2003:535-41.

- [3]Stoll AL, Tohen M, Baldessarini RJ: Shifts in diagnostic frequencies of schizophrenia and major affective disorders at six North American psychiatric hospitals, 1972-1988. *Am J Psychiatry* 1993;150:1668-73.
- [۴] بلاهنگ ح: بررسی همه گیر شناسی اختلالات روانی در شهر کاشان. *فصلنامه اندیشه و رفتار*، ۱۳۷۵، ۲، ۴، ۱۹-۲۷.
- [۵] نادری م: بررسی شیوع افسردگی در مراجعین به در مانگاه های مجتمع آموزشی درمانی حضرت رسول اکرم (ص). *فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی اراک*، ۱۳۷۶، ۲، ۷، ۳۷-۳۳.
- [۶] احمدی ج: میزان افسردگی در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اهواز. *فصلنامه اندیشه و رفتار*، ۱۳۷۴، ۱، ۴، ۶-۱۴.
- [۷] ترکان ع: بررسی شیوع افسردگی در دانشجویان پزشکی زاهدان. پایان نامه دکترای پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، ۱۳۷۳.
- [۸] ترابی نیکچه م: بررسی میزان افسردگی در دانشجویان مؤسسات آموزش عالی ایلام. *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام*، ۱۳۷۶، ۱۴، ۳۱-۲۲.
- [۹] هاشمی، ن: بررسی شیوع افسردگی در دانشجویان علوم پزشکی یاسوج، *ارمغان دانش* ۱۳۸۰، ۶، ۲۲-۲۱، ۲۱-۱۴.
- [۱۰] حسینی نژاد م، محدث ح، مؤیدی ز: بررسی عوامل مؤثر بر میزان افسردگی در دانشجویان دانشگاه های سبزوار. *فصلنامه علمی فرهنگی کمیته تحقیقات دانشجویان*، ۱۳۷۸، ۵، ۳ و ۴، ۴۰-۳۴.
- [۱۱] عکاشه گ: بررسی سلامت روانی دانشجویان ورودی سال ۱۳۷۵ دانشگاه علوم پزشکی کاشان. *فصلنامه اندیشه و رفتار*، ۱۳۷۹، ۵، ۴، ۱۷-۱۱.
- [۱۲] پهلویان الف، محبوب ح، ظرابیان م: رابطه منبع کنترل درونی - بیرونی با افسردگی و عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی همدان. *فصلنامه اندیشه و رفتار*، ۱۳۷۸، ۴، ۴، ۳۱-۲۳.
- [۱۳] باقری یزدی ع، بوالهری ج، پیروی ح: بررسی وضعیت سلامت روانی دانشجویان دانشگاه تهران. *فصلنامه اندیشه و رفتار*، ۱۳۷۴، ۲، ۴، ۳۹-۳۰.
- [۱۴] کافی م، بوالهری ج، پیروی ح: بررسی رابطه وضع تحصیلی و سلامت روانی دانشجویان. *فصلنامه اندیشه و رفتار*، ۱۳۷۴، ۳، ۴، ۵۹.
- [۱۵] سارا سون اچ، ساراسون ب: روانشناسی مرضی (۱). ترجمه: بهمن بخاریان، محمدعلی اصغری مقدم، محسن دهقانی، ۱۳۷۵، تهران، انتشارات رشد، ۵۶۲، ۵۸۴، ۶.
- [۱۶] نور بالا الف، شاد دل ف: شواهد پژوهشی درباره تأثیرات مذهبی افراد در کاهش ابتلا به افسردگی. *فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد*، ۱۳۷۵، ۴، ۱۳ و ۱۴، ۳۰-۲۵.
- [17]Beck AT, Steer RA, Garbin MG: Psychometric properties of the Beck depression inventory. *Clin Psychol Rev* 1988;8:77-100.
- [۱۸] کاویانی ح، سادات مولوی الف، محیط الف: *مصاحبه و آزمون های روانی*، ۱۳۸۰، تهران، انتشارات سنا، ۱۸۰-۱۷۹.